

بر دست و بردست عمر نهادیم در آنده چون بر زمین خاکی
 شد نیاز از آن برداشت و بردست عثمان نهاد با بر تسبیح در آنده چون
 بر زمین نهاد خاکی شد و **از آنجا که** گفت که مردی از اهل
 در روز قتل میباید که از کشته شده بود و برادر میان کشتگان
 می طلبیدند پس گفتند که یکی از کشتگان میگوید محمد رسول الله بود
الصدیق **عمر** **الشهید** **عثمان** **البن** **الرحیم** **امیر المومنین علی بن ابی طالب**
طالب کرم الله وجهه وی امام اول است از ائمه اثناعشر
 و گفتند ای رضی الله عنه ابوالمحسن ابو تراب است همه بر نام او
 از ابو تراب خوشتر نیاید و چون و بر ایان نام خود اندازی نشان
 شدی روزی رسول الله علیه و سلم خانه فاطمه رضی الله عنها آمد
 علی را ایجا بدید از فاطمه رضی الله عنها پرسید که بپوش تو کیست
 گفت میان من و وی چیزی واقع شده چشمم کرده و بر روی او
 و من من قبلو نه نکر در رسول الله علیه و سلم کسی را در نهاد که
 بر این که وی گنج است آن کسی است که گفت با رسول الله در مسجد

در خوابت رسول الله علیه و سلم آنجا رفت و بر او در خدمت
 و روی وی از دستش و ای افتاده و دوش وی خاک بود
 شده رسول الله علیه و سلم آن خاک بدست مبارک خود از دوش
 وی دور میکرد و می گفت که ای تراب است مبارک شما علی
 فضایل وی از آن بیشتر است که برتر بر زبان و بر زبان
 آن تواند کرد امام احمد بن حنبل رضی الله عنه فرموده است که از
 هیچ یک از صحابه کرام رضی الله عنهم آن قدر فضایل بیان نکرده است
 که از امیر المومنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه رسیده است
 چنانچه گفته است قدس سره اگر جناب امیر المومنین علی رضی الله عنه
 از محرابی که با مخالفان میکرد باز بر دوشش میهرائید از وی
 نقل کردند ای ابن علم یعنی مسلم حقیق و تصوف بجهده اهل طایفه
 آن بنیاد روی او در تسبیح تعریف است که علی بن ابی طالب سر
 عارفانست و مردی در اسب آنست که کسی پیش از وی گفته است
 و بعد از وی کسی مثل آن نیاموده است تا بدانی که روزی میسر
 بود گفت سلوئی عمادون العرش فان باین الجرح علی جاهد العباد

در خوابت رسول الله